

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

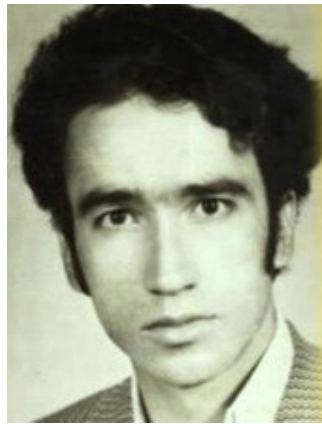
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شاعر: زنده یاد "داوود سرمد"
ویراستاری و ارسال از: احمد پوپل
۰۷ دسمبر ۲۰۲۱



زنده یاد داوود سرمد

اشعار زنده یاد «داوود سرمد»

(۴۷)

اشک ناتوان

در شبِ غم اندودی، آه من پر افشان شد
در کمالِ جمعیت، موی او پریشان شد
غنچه خیال او، در نگاه من خندید
نکتهش گل افشان گشت، بستم گلستان شد
سینه محبس دل بود، پای ناله در گل بود
کار صبر مشکل بود، شکوه پا به میدان شد
اشک ناتوان من، روی مژه میلرزید
چون به پای او افتید، قطره بود طوفان شد
شکوه نامه هائی را کز غمش سیه کردم
صفحه صفحه پیوستم، رفته رفته دیوان شد
تا که شاهد عشقم، پرده ها به یک سو زد
بیر عقل زانو زد، طفل این دبستان شد

از شراب غم "سرمد"، مستیم چنان گل کرد

کز شگفتنِ طبعم، چشم باده حیران شد!